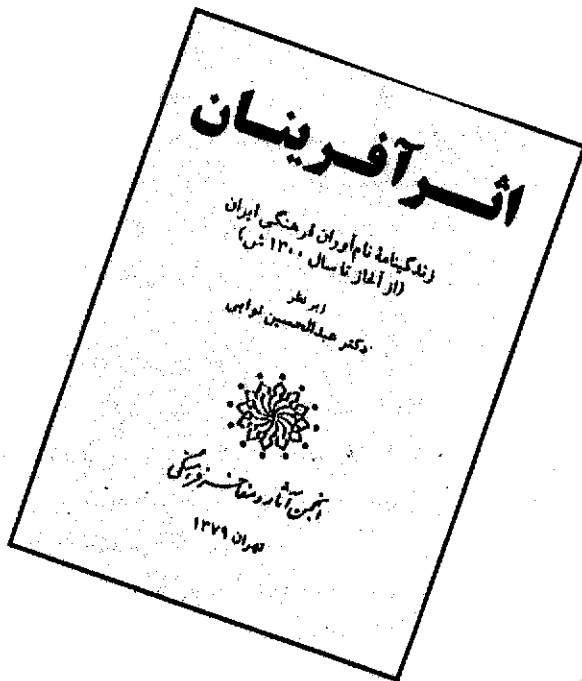


تلاشی ناموفق در معرفی

«اثر آفرینان»

رحیم قاسمی



اثر آفرینان، زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران (از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی)، ۶ جلد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷ - ۱۳۸۰.

معرفی آثار و شرح احوال آنان. و شگفت آورتر این که نام بسیاری از صاحبان آثار مکتوب و بزرگان علمی و فرهنگی در هیچ جای این مجموعه به چشم نمی آید و نام هایی چون: اسماعیل سیاه حكاك و نگین تراش، زین العابدین، خطاط و نقاش و منبّت كار و مذهب، حسین تهرانی، نوازنده تنبک، اسدالله اصفهانی، شمشیر ساز، کوفته گر طلا و نقره بر روی فولاد و فلزات سخت و موارد بسیار دیگر در کنار نام دانشوران علوم مختلف اسلامی جای داده شده. همچنین نام صدها خطاط و نقاش به نقل از «احوال و آثار خوشنویسان» و ... در مجموعه جای گرفته که با وجود منابع جامعی که این مطالب از آنها گرفته شده نیازی به بازگو کردن دوباره آنها در این مجموعه آن هم بدون افزودن مطلب جدید و قابل توجه نبود.

۲. اشکال دیگر کتاب تنظیم نامناسب آن است. از آنجا که در این مجموعه به شیوه الفبایی و بر اساس نام افراد به شرح حال آنان پرداخته شده، در موارد بسیاری شرح حال آنان تحت عناوینی جز نام و شهرت متداول آنان آمده و در برخی موارد دوبار به شرح حال افراد پرداخته شده.

۳. مهم ترین اشکال وارد بر این مجموعه، فقر منابع و کمبود

مجموعه ۶ جلدی «اثر آفرینان» که تحت اشراف جناب آقای سید کمال حاج سید جوادی و دکتر نوائی تألیف و در قالبی چشم نواز به بازار عرضه گشته، تلاشی است در معرفی اندیشمندان و هنرمندانی که با آفرینش آثاری در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی سهمیم بوده اند. در مقدمه ضمن گلایه از بی تفاوتی و رویگردانی نسل جوان از فرهنگ و فرهنگ سازان، آن را بدین سبب دانسته که کمتر کسی در این اندیشه بوده که با یار نوبه زبان او سخن بگوید و گناه این امر را متوجه اهل تحقیق دانسته، چرا که این قوم بر دو دسته اند:

«گروهی آنچنان تخصصی به پژوهش پرداخته که فقط عده ای خاص می توانند از حاصل آن بهره مند شوند و گروهی دیگر چنان به دور از اسلوب های تحقیق و پژوهش به این کار مبادرت کرده اند که حاصل آن جز هویت زدایی و کمرنگ و بی بها نمودن این مهم نتیجه ای در بر نداشته است.»

مجموعه اثر آفرینان به این امید تهیه شده که فرهنگی جامع الاطراف برای اعلام و شخصیت های علمی و فرهنگی ایرانی باشد که ضمن جامعیت از صحت و دقت و روانی و گویایی و ایجاز برخوردار باشد؛ کتابی که منحصرأثر آفرینان این سرزمین را در زمینه های دینی و علمی و ادبی و هنری معرفی کند و به آنان حلقه های زنجیر علم و معرفت این مرز و بوم را نشان دهد.

۱. اولین مطلبی که باعث تعجب خواننده می شود محدود کردن «اثر آفرینان» از ابتدا تا سال ۱۳۰۰ هـ. ش تنها در ۶ جلد کتاب است و پرواضح است که تنها ثبت اسامی اثر آفرینان سیزده قرن، حجمی بیش از این را اشغال می کند، چه رسد به

۲. ج ۲، ص ۱۰۴: «بیدآبادی، آقا محمد صوفی، حکیم، ادیب- او در فلسفه پیرو وحدت وجود بود. از این رو بعضی از علمای متشرع و متعصب در اعتقاد او طعن می زدند.» برای آشنایان با مقام بلند آقا محمد بیدآبادی موقعیت و اعتبار وی نزد علمای عصر جملات فوق بسیار عجیب است؛ چرا که نه تنها اطلاق صوفی بر حکیم و عارف متشرعی چون آقا محمد بیدآبادی صحیح نیست، اعتبار وی نیز نزد علمای زمان به حدی بوده که امثال مرجع بزرگ زمان میرزای قمی از او طلب دستورالعمل اخلاقی می نموده و بسیاری دیگر از علما به شاگردی او مفتخر بوده اند. چنین قضاوت نابه جایی ناشی از عدم دقت در منبع مطلب گزارش شده است:

در «ریحانة الادب» پس از شرح احوال آقا محمد بیدآبادی از شاگرد وی مولا محراب گیلانی نام برده و می نویسد: «ملا محراب نیز از مشاهیر حکما و عرفا... به وحدت وجود معتقد بود و در زمان خود مطعون جمعی از اهل فضل گردید.»^۱

۳. ج ۳، ص ۳۹۶: «شیخ زاهد گیلانی ثانی ابراهیم بن عبدالله (۱۱۱۹م) وی عموی حزین لاهیجی صاحب تذکره بوده. او مقدمات را در لاهیجان نزد پدرش و ملا علی نوری فرا گرفت و در شاعری و خوشنویسی و ترسل مهارت یافت، هفت قلم رانیکو می نوشت... هنگامی که با پدر خود به لاهیجان سفر کرده بود، مدت یکسال نزد عموی خود به تحصیل مشغول شد و خلاصه الحساب را نزد او فرا گرفت. وی سپس به خدمت حسین علیشاه رسید... از آثار وی: حاشیه بر المختلف علامه... حاشیه بر کشاف... القصائد الغراء... دیوان شعر.»

در این بخش شرح حال سه نفر در هم ادغام شده و تحت یک عنوان آمده:

۱. شیخ ابراهیم گیلانی عموی حزین لاهیجی که به گفته حزین ده سال پیش از والد علامه وی که متوفای ۱۱۲۷ است، در لاهیجان به رحمت ایزدی پیوسته و در شاعری و خوشنویسی و ترسل مهارت داشته.^۲

۲. شیخ زاهد ثانی گیلانی از شاگردان آخوند ملا علی نوری که پس از تحصیل علوم خدمت حسینعلی شاه رسیده و در سال ۱۲۲۲ هـ. در سفر حج در کاظمین وفات یافته.^۳

۳. شیخ محمدعلی حزین لاهیجی که به نوشته خود وی در سفر به لاهیجان به اشارت والد رساله خلاصه الحساب را در

اطلاعات درباره مؤلفین و آثار آنان است که تنها اشاره به منابع مهم و دست اولی که در شرح حال افراد از آنها استفاده نشده، خود موضوع مقالی مستقل خواهد بود. شرح حال بسیاری از دانشوران عصر اخیر در کتبی چون گنجینه دانشمندان و آئینه دانشوران و... در زمان حیات آنان نگاشته شده که طبعاً ناقص بوده و تنها به مقطع خاصی از حیات علمی و فرهنگی آنان پرداخته و فراهم آورندگان این مجموعه نیز به نقل همان مطالب اکتفا نموده و از تلاش های علمی صورت گرفته در مقاطع بعدی و حتی از مدت حیات آنان بی اطلاع بوده و سخنی به بیان نیآورده اند.

۴. از آنجا که نام مجموعه «اثر آفرینان» نهاده شده توقع این است که مهم ترین آثار برجای مانده معرفی و ذکر شود؛ ولی این انتظار نیز چنانچه خواهد آمد برآورده نشده و اطلاعات مربوط به آثار معمولاً ناقص و نارساست و پیداست که مؤلفین، آثار معرفی شده را از طریق فهرست ها شناسانده و تماس مستقیم با خود آثار نداشته اند. گذشته از اینها اشتباهاتی در زمینه معرفی افراد یا آثار به چشم می خورد که وجود آن در چنین مجموعه ای باعث سلب اطمینان و اعتماد به دقت علمی پدیدآورندگان آن می گردد.

نمونه هایی از اشکالات و کاستی های چهار جلد اول کتاب بدین شرح است:

۱. ج ۳، ص ۱۳۰: «رفیعا گیلانی، رفیع الدین محمد/ محمد رفیع بن فرج رشتی مشهدی (وف ۱۱۰۶) عالم و حکیم معروف به ملا رفیعا- رفیعا- میرزا رفیعا و رفیع الدین، مقیم مشهد بود. فرزندش چون ساکن بیدآباد اصفهان بود به بیدآبادی معروف است. قزوینی در تتمیم امل الآمل او را بسیار ستوده است.» جملات فوق نشانگر این است که نویسنده سه شخصیت همنام را یکی پنداشته و بدون توجه به فاصله زمانی دوره حیات آنان تحت یک عنوان از آنان یاد کرده و آنها عبارتند از:

۱. مولی محمد رفیع بن فرج گیلانی ساکن مشهد مقدس که ترجمه او در تتمیم امل الآمل ص ۱۵۹-۱۶۱ به تفصیل ذکر شده، معروف به «ملا رفیعا»؛

۲. میرزا رفیع الدین محمد نائینی (م ۱۰۸۲) معروف به «میرزا رفیعا»؛

۳. مولی محمد رفیع گیلانی بیدآبادی پدر آقا محمد بیدآبادی (م ۱۱۹۸ هـ).

ترجمه شخص اخیر نیز در تتمیم امل الآمل (ص ۱۶۲) پس از ترجمه همنام وی محمد رفیع بن فرج گیلانی آمده است.

القابی که در عنوان بالا ذکر شد بار دیگر در صفحه ۱۳۱ کتاب برای میرزا رفیع الدین نائینی ذکر شده و آمده: «به او رفیعا، آقا رفیعا، میرزا رفیعا، رفیع الدین نیز گفته اند.»

۱. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۳۰۱.

۲. تاریخ و سفرنامه حزین، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۳. تذکره القیوم، سید مصلح الدین مهدوی، ص ۳۰۲.

خدمت عمّ مرحوم (شیخ ابراهیم گیلانی) استفاده نموده است.^۴ از تألیفات یاد شده نیز سه عنوان اول نوشته شیخ ابراهیم گیلانی (م ۱۱۱۷) و دیوان شعر سروده شیخ زاهد ثانی گیلانی^۵ (م ۱۲۲۲ هـ) است.

۴. ج ۳، ص ۴: «دارابی شاه محمد بن محمد (س ۱۱ ق) تذکره نویس، نویسنده و شاعر. وی گاهی عارف و گاهی شاه تخلص می کرد... مدتی در خدمت شیخ بهاء الدین عاملی شاگردی کرد... از آثار او تذکره لطایف الخیال، لطیفه غیبی، معراج الکمال.»

در این قسمت بین دو شخصیت همنام خلط شده به این شرح:
۱. شاه محمد دارابجردی که به نوشته الذریعه به همین عنوان در تذکره صبح گلشن ذکر شده و در آن گفته شده که وی از علمای مهاجر به هندوستان بوده که در همان دیار به شهادت رسیده و در شعر تخلص «شاه» به کار می برد.^۶

۲. مولی شاه محمد اصطهباناتی دارابی متخلص به «عارف» که به نوشته الذریعه مقرر و مدفن او در شیراز بوده، و از اساتید مولی محمد مؤمن جزائری صاحب «طیف الخیال» و شیخ محمد علی حزین لاهیجی و سید قطب الدین ذہبی شیرازی (م ۱۱۷۳ هـ) بوده و کتاب معراج الکمال وی به خط مؤلف نزد شاگرد اخیر بوده است.^۷ علامه طهرانی پس از ذکر «دیوان مولانا عارف الاصطهباناتی» می نویسد:

«وبالجملة فالمولی شاه محمد العارف الاصطهباناتی مؤخر بقلیل عن المولی شاه محمد الدارابی او الدارابجردی، مؤلف تذکرة الشعراء - المتخلص بشاه والمقتول فی بلاد الهند».^۸

از میان آثار ذکر شده، تذکره (تذکره الشعراء المعاصرین) تألیف دارابجردی و لطایف الخیال، لطیفه غیبی و معراج الخیال تألیف عارف اصطهباناتی است. گفتمنی است که شاه محمد دارابجردی مجدداً در ص ۳۱۰ عنوان شده و تخلص او «شاه» ذکر شده.

۵. ج ۳، ص ۲۴۷: «سکوت شیرازی میرزا ابوالقاسم... شاعر صوفی معروف به «سکوت» و «میرزا بابا»...»

در اینجا نیز بین میرزا ابوالقاسم شریفی ذہبی (م ۱۲۸۶ هـ) ملقب به «میرزا بابا» و میرزا ابوالقاسم حسینی شیرازی (م ۱۲۳۹ هـ) ملقب به «سکوت» خلط شده.

چند نمونه از معرفی های بسیار ناقص این مجموعه از این قرار است:

۱. ج ۳، ص ۱۱۸: «رضای اصفهانی ابوالمجد شیخ محمدرضا حسینی (س چهاردهم ق) شاعر. وی از نوادگان محمدباقر اصفهانی صاحب کتاب الایراد والاصدار بود که در اصفهان متولد شد و شیخ محمدرضا در سرودن شعر توانا بود.»
شاعر مورد اشاره کسی جز «فقیه اصولی حکیم متکلم

ریاضیدان شیخ ابوالمجد محمدرضا نجفی» نیست که تحت عنوان ابوالمجد اصفهانی ذکر شده است. کتاب «الایراد والتصدیر» نیز که به شیخ محمدباقر منسوب شده تألیف نواده او شیخ ابوالمجد است.

۲. ج ۳، ص ۱۲۰: «رضای قمشه ای» آقا محمدرضا (وف ۱۳۰۶) شاعر...»

این شاعر نیز حکیم عارف الهی آقا محمدرضا قمشه ای معروف به صهباست که در جلد ۴، ص ۳۵۶ عنوان شده است.

۳. ج ۱، ص ۲۴۶: «اسدالله رشتی فرزند سید محمدباقر (س سیزدهم ق) خطاط. در اصفهان ساکن بود و همان جا در گذشت. از آثار او قطعه ای به خط نستعلیق...»

این خطاط، فقیه عالمقدار حاج سید اسدالله شفتی فرزند فقیه نامدار سید محمدباقر حجة الاسلام شفتی است که در ج ۲، ص ۲۶۷ تحت عنوان حجة الاسلام ثانی بیدآبادی عنوان شده.

۴. محقق ریاضیدان نامدار مرحوم ابوالقاسم قربانی و آثار وی در این مجموعه اینگونه معرفی شده:

ج ۴، ص ۳۳۶: «ابوالقاسم قربانی (سال چهاردهم، ش) ... آثار وی: جبر برای سال سوم دبیرستان ها، جبر و مثلثات سال ششم طبیعی، حل المسائل مکانیک...». چنانچه مشاهده می شود هیچ یک از آثار مهم استاد فقید یاد نشده از آن جمله:

۱. دو ریاضیدان ایرانی و شمه ای درباره عددهای متحاب. چاپ ۱۳۴۷ ش

۲. ریاضیدانان ایرانی از خوارزمی تا ابن سینا، چاپ ۱۳۵۰ ش

۳. زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی از سده سوم تا سده یازدهم هجری، چاپ ۱۳۶۵ ش

۴. کاشانی نامه، احوال و آثار غیاث الدین جمشید کاشانی، چاپ دوم ۱۳۶۸ ش

۵. نسوی نامه، تحقیق در آثار ریاضی علی بن احمد نسوی، چاپ دوم

۶. فارسی نامه، احوال و آثار کمال الدین فارسی، ریاضیدان و نورشناس ایرانی، تهران ۱۳۶۲ ش

۷. بوزجانی نامه، زندگی و آثار ابوالوفا بوزجانی، با همکاری محمدعلی شیخان، ۱۳۷۱ ش

۸. بیرونی نامه، تحقیق در آثار ریاضی استاد ابوریحان بیرونی.

۴. تاریخ و سفرنامه حزین، ص ۱۶۷.

۵. الذریعه، ج ۹، ص ۳۹۹.

۶. همان، ص ۹۹۶.

۷. همان، ص ۶۶۵.

۸. همان، ص ۶۶۶.

همراه با آن به چاپ رسیده، نویسنده گمان کرده که رسالهٔ حسنیه نیز بخشی از کتاب است و مترجم آن را علامه مجلسی پنداشته است!
۲. ج ۲، ص ۳۶۶: ضمن شمارش آثار آقا رضی الدین خوانساری آمده:

«المائدة السماویة یا الأطلعة والأشربة ... این کتاب متمم مشارق الشموس ... است»

کتاب مائدهٔ سماویه که برای شاه سلیمان صفوی به فارسی تالیف شده هیچ نسبتی با مشارق الشموس که تألیفی فقهی به زبان عربی است ندارد. نویسنده سپس «شرح کتاب الصوم والاعتکاف از شرح الدروس» را جزو آثار خوانساری ذکر می‌کند که متمم مشارق الشموس، همین اثر است نه مائدهٔ سماویه و ثانیاً خوانساری دو کتاب صوم و اعتکاف دروس را که پدرش شرح نکرده بود، شرح نموده، نه اینکه وی این دو کتاب را از شرح الدروس پدرش شرح کرده.

و عجیب تر اینکه یکی دیگر از آثار خوانساری بدین گونه معرفی شده:

«شرح حدیث البیضة که در کافی آمده در احوال سفرا و کیفیت غیبت»

رساله مورد اشاره به همراه مائدهٔ سماویه به چاپ رسیده و موضوع آن پاسخ به سؤالی در زمینهٔ قدرت الهی و مباحث مربوط به خداشناسی است نه احوال سفرا و کیفیت غیبت.

۳. ج ۴، ص ۱۶۳: اثر مکتوب عبرت نائینی را «مدینهٔ الادب یا نامهٔ فرهنگیان مشتمل بر شرح حال ۳۵ شاعر معاصر خود» ذکر کرده است. خوشبختانه هر دو اثر با ارزش عبرت چند سالی است که منتشر گردیده و جایی برای توهم اتحاد آن دو باقی نمانده است.
۴. ج ۳، ص ۵۶: یکی از آثار آیه الله سید ابوالقاسم دهکردی «ینگونه معرفی شده:

«الوسیله» یا «وسیلة النجاة» یا «وسیلة المنابر» یا «منبر الوسیله» یا «وسیلة المعاد» در ۲ بخش.

از آنجا که فایدهٔ چندانی در ذکر سایر خطاها و کاستی های این اثر که چندین برابر مقداری است که ذکر شد به نظر نمی‌رسد با ذکر نمونهٔ جالبی از معرفی یکی از تفاسیر مهم و مشهور شیعه سخن را ختم می‌کنیم.

ج ۲، ص ۲۵: از جمله آثار وی «البرهان فی تفسیر القرآن» در ۶ مجلد، گردآوری خبرهایی در زمینهٔ تفسیر از کتاب های ناشناخته کهن!

۹. برای شرح حال ایشان ر. ک: تذکره مهدوی، ص ۲۳۶ و تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان.

۹. تحریر «استخراج الاوناد» تالیف استاد ابوریحان بیرونی، تهران ۱۳۵۵ ش

۵. ج ۱، ص ۲۶۹: عالم مجاهد حاج آقا جمال الدین نجفی با عنوان امام جمعه تهران یاد شده است که به کلی عاری از صحت است و دوران اقامت این عالم مجاهد در تهران ایام تبعید ایشان به شمار می‌رفته. ۹ همچنین در ج ۱، ص ۲۶۹ دربارهٔ برادر مکرم ایشان حاج آقا نورالله اصفهانی «پیشوای حرکت ضد طاغوتی» که در قالب مهاجرت به قم صورت گرفت آمده: در مهاجرت علمای اصفهان به قم همراه آنان بود!!

۶. ج ۱، ص ۲۹۵ در شرح حال امام راحل قدس سره آمده: فلسفه را از آیه الله شیخ محمدعلی شاه آبادی فراگرفت ... از محضر حاج سید محسن امین و حاج شیخ عباس محدث قمی و سید ابوالقاسم دهکردی ... بهره مند گشت. از آثار وی ... «تهذیب الاصول». در حالی که حضرت امام (ره) پس از اتمام فراگیری فلسفه اسلامی جهت کسب عرفان به محضر پرفیض آیه الله شاه آبادی راه یافته و فلسفه را نزد مرحوم سید ابوالحسن رفیعی قزوینی تحصیل نمودند. همچنین ایشان نزد هیچیک از سه عالم بزرگواری که به عنوان اساتید ایشان یاد شد، تلمذ ننموده و تنها از آنان اجازهٔ نقل حدیث دریافت کرده اند.

تهذیب الاصول نیز تألیف ایشان نبوده، بلکه توسط شاگرد گرامی وی آیه الله سبحانی از تقریرات درس ایشان تنظیم شده. برخی از بزرگان عصر اخیر که به صورت ناقص معرفی شده و با وجود شهرت فراوان حتی سال وفاتشان مشخص نشده است، عبارتند از:

۱. شیخ محمدرضا طبعی (۱۳۲۴-۱۳۹۱ق)
 ۲. سامت قزوینی (۱۳۲۱-۱۳۶۲ق)
 ۳. میرزا عبدالحسین غروی تبریزی (۱۳۳۵-۱۳۹۱ق)
 ۴. سید مهدی غضنفری (۱۳۳۵-۱۳۹۱ق)
 ۵. شیخ محمدتقی ستوده (تو ۱۳۴۰ق)
 ۶. عباسعلی ادیب حبیب آبادی (ق ۱۳)
 ۷. شیخ موسی زنجانی (تو ۱۳۲۸)
 ۸. سید عبدالحسین طیب (تو ۱۳۱۰)
 ۹. شیخ عباس صفایی (تو ۱۳۲۲)
 ۱۰. شیخ محمدرضا دستجردی (تو ۱۳۰۵)
- نمونه ای از اشکالات مربوط به کتابشناسی:

۱. ج ۲، ص ۲۸۴: «علامه مجلسی ترجمهٔ رسالهٔ حسنیه را به فارسی در انتهای کتاب حلیه المتقین خود به طور کامل نقل کرده است.»
از آنجا که رسالهٔ مزبور در برخی چاپ های کتاب حلیه المتقین